

## زن فقهاتی - زن مدرنیزه - زن تاریخی

از بعد از جریان معرفی کابینه دوم احمدی نژاد به مجلس و حضور و معرفی سه کاندیدای زن برای پست های وزارت آموزش و پرورش، بهداشت و رفاه در میان آنها و مخالفت مراجع دولتی قم تحت رهبری ناصر مکارم شیرازی با این موضوع و حمایت خامنه ای از مراجع دولتی قم در جلسه افطار هیئت دولت در خصوص این قضیه و بالاخره مخالفت مجلس با دو تا از خانمها رای نیاوردند. باز گرداندن نامه معرفی دوم پست های خالی کابینه احمدی نژاد توسط مجلس که در آن نامه دو باره احمدی نژاد بر کاندیداتوری زن ها پافشاری کرده بود همه باعث گردید تا بحث زن و موضوع زن و جایگاه زن در جامعه در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی و تاریخی و فقهاتی مطرح گردد البته آنچنانکه احمدی نژاد در سخنرانی معرفی کاندیدها در مجلس مطرح کرد معرفی زن کابینه ای از طرف او جنبه کنشی نداشته بلکه واکنشی بوده است در برابر خواسته زن اجتماعی و زن سیاسی و زن تاریخی و به همین خاطر هم بود که توانست در برابر تمامی مخالفت های اسلام فقهاتی برای خانم وحید دستجردی در پست وزارت بهداشت از مجلس رای ناپلئونی بگیرد و برای اولین بار زن فقهاتی وارد کابینه فقهاتی در رژیم فقهاتی سی ساله گذشته بکند کاری که حتی خاتمی در دوره 8 ساله حکومت باصلاح اصلاحات خود نتوانست زن کابینه ای که قبلا وعده آنرا داده بود بالاتر از سرپرستی سازمان محیط و زیست آنهمه بصورت نمایشی ببرد. البته این موضوع علاوه بر اینکه یک پیروزی تبلیغاتی برای احمدی نژاد بود یک حرکت جهت خلع شعار طرفداران رفرمیسم یا اصلاحات از بالا هم بود صد البته که احمدی نژاد این کالا در بازار شام اسلام فقهاتی به بهای بایکوت شدن از طرف مراجع دولتی قم توانست صاحب شود ولی با همه این احوال طرح زن کابینه ای بعنوان شعار آلترناتیوی در برابر زن سیاسی و زن اجتماعی و زن مدرنیسم بهترین سلاحی بود در دست احمدی نژاد که توسط آن هم می توانست با آن یک ادعای حمایت از زن اجتماعی در برابر زن خانه دار بکند ( آنچنانکه دیدیم احمدی نژاد در بحث تئوریزه کردن موضوع برتری زن اجتماعی بر زن خانه دار او با تاسی از سردمداران تئورسین فقهاتی خود مانند گذشته قصه را از اصحاب امام زمان در زمان ظهورش شروع کرد با این بیان که آنچنانکه او مدعی شد در روایات آمده است که تعدادی از 313 نفر اصحاب امام زمان در زمان ظهورش زن می باشند و بعد در همین جا بود که احمدی نژاد برای تبیین تئوریک خود در حمایت از زن کابینه ای و زن اجتماعی به جاده خاکی زد و ضمن حمله به زن خانه دار گفت: زن همراه امام زمان زن اجتماعی است نه زن خانه دار. البته قابل توجه است که زن خانه داری که احمدی نژاد در بحث تئوریک خود به آن حمله می کند همان پارادایم کیس یا الگویی است که اسلام فقهاتی از آغاز حیات تاریخی خود جهت جایگزین کردن با زن اجتماعی به آن تکیه می کرده است و در مجلس اول دیدیم که در این رابطه طرحی تحت رهبری مهندس بازرگان جهت خانه نشین کردن زن اجتماعی و سیاسی ایرانی و جلوگیری از اشتغال آنها در ادارات دولتی و نهادهای اقتصادی اجتماعی به مجلس بردند که بعلت مساعد نبودن شرایط سیاسی کشور با دخالت هاشمی رفسنجانی از دور خارج شد ) و هم می خواست با این سلاح و شعار آلترناتیوی جنگ جناح رقیب که همان رفرمیسم های طرفدار اصلاحات از بالا بودند برود و ضمنا با این شعار می توانست در عرصه جهانی چهره مکرر سیاسی خود را هم آب و رنگ مصنوعی بدهد لذا در همین رابطه است که باید گفت که موضوع معرفی کابینه دوم احمدی نژاد و جار و جنجال و گرد و خاکهایی که بصورت نمایشی و کاذب توسط نظام فقهاتی در عرصه جامعه براه انداختند بقول معلم کبیرمان شریعتی تداعی کننده داستان خروس بهمن آباد و جار و جنجال مشهدی حسن می باشد که پس از اینکه مشهدی حسن خروس دزد وارد خانه عمومی شریعتی می شود می بیند که صاحب خروس ها با عمومی شریعتی خلوت کرده است و در حال دیالوگ و گفتگوی با هم هستند لذا دریافت که قصه دیالوگ آنها داستان فروش خروس ها توسط مشهدی حسن می باشد اینجا بود که تا مشهدی حسن وارد خانه شد و آن دو را با هم دید برای فراهم کردن بستر فرار از معرکه راهی نداشت جز اینکه تضاد خارجی بصورت کاذب علم کند لذا در همین راستا بود که با جار و جنجال و داد و بیداد فریاد کشید که چه نشسته اید تمام روستا غرق در جنگ و خون و مرده و مرده کشی می باشد و در روستا حیدر کیک با قاسم کیک جنگ با هم پرداخته اند و تمام روستا را به آتش کشیده اند و با طرح این شعار کاذب شرایط برای فرار خود فراهم می کند و از معرکه در می رود و لذا وقتی صاحب خروس ها و عمومی دکتر با زیر شلواری سر زده جهت نجات کشته شدگان بیرون می آیند می بینند که در روستا هیچ خبری نیست و جز چند تا پیر مردی که در کنار دیوار حمام آفتاب گرفته اند و در حال چرت زدن هستند هیچ چیز قابل تماشا و توجه نمی باشد و روستا در امن و امان بسر می برد اینجا است که آنها پی به جار و جنجال کاذب مشهدی حسن می برند و در می یابند که داستان، داستان جنگ و خونریزی نیست. داستان، داستان سرقت خروسها و فراهم کردن زمینه برای فرار مشهدی حسن از معرکه بوده است داستان کابینه دوم احمدی نژاد و سناریوی که جناح خروس دزد 22 خرداد نظام فقهاتی حاکم با تمام امکانات تبلیغی و اداری جهت طرح در جامعه و جهان پیاده کرد سناریوی همان مشهدی

حسن خروس دزد تداعی میکرد چرا که جناح خروس دزد 22 خرداد در این شرایط بحرانی بعد از انتخابات نیازمند به یک هیاهوی کاذب دارد تا با طرح کاذب تضادهای بیرونی توجه توده ها و جهان را از توجه به تضادهای درونی منحرف سازند تا موضوع سرقت در انتخابات را پایان یافته اعلام کند تا بدینوسیله توده ها و جناح رقیب آنرا کار انجام شده پندارند و دیگر سوال اصلی 22 خرداد چه اتفاق افتاد؟ جای خود را در جامعه و جهان به سوال کاذب کار کابینه احمدی نژاد بکجا رسید؟ بدهد و همین تغییر سوال توده ها است که تعیین کننده همه چیز برای حاکمیت غاصب در طول تاریخ می باشد چرا که بقول معلم کبیرمان شریعتی تمامی داستان های ساختگی حاکمیت غاصب برای آن بوده است تا سوال اصلی توده را عوض کنند و با تغییر سوال از یکطرف توده ها را دپلیزاسیون یا سیاست زدائی نمایند و از طرف دیگر در غیبت سیاسی توده ها آنها به نوای خود برسند حال خواه این غیبت سیاسی توده ها باعث به نماز نشستن آنها گردد و یا باعث به حج و عبادت توده ها بشود.

از نظر معلم کبیرمان شریعتی با آنها که در همان زمان به شراب نشسته اند یا دور کاخ سبز معاویه می چرخند هیچ فرقی نمی کند چراکه با این عمل سوال توده ها که تا این زمان عبارت بود از اینکه عمرالخطاب (که تا کنون دو امپراطوری بزرگ روم و ایران برای مدینه سوغات آورده است) این پیراهن بلندش از کجا آورده است تا بالاخره او را مجبور می کنند که به مسجد بیاید و در پاسخ عبدالله ابن مسعود بگوید این قطعه اضافی پارچه پیراهنم سهمیه پارچه فرزندانم عبدالله بوده است که بخاطر بلندی قد من و کم بودن پارچه به من بخشیده است امروز در دوره مامون و هارون الرشید بدل شده است به اینکه که فرق ماهیت و وجود چیست یا اینکه آیا قرآن حادث است یا قدیم بوده و قسی الی هذا. لذا در همین راستا بود که نظام فقهانی حاکم برای تغییر سوال توده ها تحت خیمه شب بازی که با کابینه احمدی نژاد براه انداخت از مدتها قبل تلاش کردند تا با سرمایه گذاری تبلیغاتی و علنی کردن آن در مجلس و برای اولین بار مستقیم به صحنه تلویزیون آوردن آن نگاه مردم و جهان را از موضوع سوال سرقت 22 خرداد بطرف شعار کاذب کابینه احمدی نژاد و موضوع اسفندیار رحیم مشائی و ... منحرف سازند.

**زن کابینه ای وجه معامله استحاله زن سیاسی:** حال با توجه به مقدمه فوق بزرگترین قربانی این سناریوهای تاریخی که دو باره در جامعه ما در حال تکرار شدن است زن می باشد که این بار بصورت جدیدی در حال قربانی شدن است و آن نه مانند گذشته تحت لوای زن خانه دار که باعث تحریک سیاسی زن اجتماعی می شد بلکه تحت لوای شعار زن کابینه ای زن فقهانی می خواهند زن اجتماعی را تسلیم زن فقهانی نمایند در این رابطه بود که شرایط تاریخی - اجتماعی حاضر مناسب آن دیدیم که بطرح موضوع تاریخی زن فقهانی و زن مدرنیسم و زن مستقل که همان زن تاریخی می باشد بپردازیم قبل از اینکه وارد این بحث بشویم جا دارد در اینجا مراد خودمان از این سه ترم زن فقهانی و زن مدرنیسم و زن تاریخی روشن کنیم که مقصود ما از ترم زن فقهانی یعنی زنی که در عرصه پروسه تاریخی فقه بطور مشخص از قرن چهارم و پنجم تا کنون تعریف شده است و از بعد از انقلاب فقهانی 22 بهمن 57 تلاش کرده اند تا این فقه هزار ساله را بصورت قانون بر جامعه و زن ما تحمیل کنند طبیعی است که اینچنین زنی یا آنچنانکه شیخ حسن نجفی صاحب جواهر الکلام بزرگترین دایره المعارف فقه شیعه می گوید برای رهائی از بند فقهات سلاحی جز متوسل شدن به ارتداد از دین ندارد یا آنچنانکه اقبال لاهوری می گوید برای پیوند با ایمانش راهی جز ارتداد از فقهات برایش باقی نخواهد ماند البته همین زن فقهانی است که گاهی بصورت شیطان دنیا در آثار غزالی و مولوی تجلی می کند و گاه بصورت چهار پائی غیر انسان در آثار ملاصدار و ملاهادی سبزواری تبیین گردد زمانی بصورت یک شهروند درجه دو که نه حق انتخاب کردن دارد و نه حق انتخاب شدن آنچنانکه در قانون مشروطیت اعلام گردید به نمایش گذاشته شد و یک زمانی جهت ممانعت از اجتماعی شدن زن فقهانی عامل گردید تا خمینی نهضت خود از سال 42 (با اعلام مخالفت با حق انتخاب شدن و انتخاب کردن زن در عرصه شوراهای ایالتی و ولایتی) شروع کند بهر حال زن فقهانی تاریخی پر فراز و نشیب داشته است همیشه زنی مکلف بوده است که هیچگونه حقوق طبیعی و ذاتی که معلول انسانیت انسان می باشد او دارا نبوده است گاهی این تکلیف از طرف فقیه بطور مستقیم بر او تحمیل می شده است مثل نداشتن حق طلاق نداشتن حق حضانت بر فرزند و دارا بودن ارزش نصف مرد در دیه و شهادت و ارث و ... گاهی این تکلیف از طرف مرد و گاهی از طرف خانواده و زمانی از جانب حکومت ها اعمال می شده است گاهی بصورت عروسک حر مسراها در می آمده و زمانی بصورت حیوانی جهت تولید بچه و اطفاوتش شهوت مرد مطرح شده است با همه این لایه های مختلف زندگی و حیات زن فقهانی آنچه در همه اشکال آن بصورت وجه مشترک آنها مطرح می باشد اینکه در سیمای زن فقهانی آنچه شیرازه شخصیت زن فقهانی تشکیل میدهد تکلیف فقهی بوده است نه حق و حقوق طبیعی انسانی لذا زن فقهانی فی حد ذاته بخاطر انسان بودن دارای هیچگونه حق و حقوق طبیعی نمی باشد و هرگونه حقی هم که برحسب شرایط سیاسی تاریخی به آنها اهداء می شود این حقوق از نوع

حقوق درجه دوم می باشد یعنی عطا شده از موضع رافت و رحمت از طرف بالائیا بر زن بوده است و هیچکدام از آنها بخاطر زن بودن زن و انسان بودن زن بعنوان حقوق طبیعی زن او صاحب نشده است.

**زن مدرنیزه:** مقصود از زن مدرنیزه در اینجا زنی است که از قرن هفدهم و هیجدهم در بستر رنسانس و پیدایش بورژوازی تجاری و بورژوازی تولید اروپا و همراه با در هم شکستن نظام قرون وسطائی و فنودالیسم در بستر انقلاب کبیر فرانسه متولد شد این زن در پروسس شکل گیری خود دو فرایند مختلف طی کرده است فرایند اول فرایند رهائی بوده است فرایند دوم فرایند آزادی می باشد فرایند رهائی زن مدرنیزه رهائی خود را از قید و بندهایی که نظام قرون وسطی و فنودالیسم بر دست و پای و اندیشه او ایجاد کرده بود می طلبید اما در مرحله فرایند برای که از بعد از انقلاب کبیر فرانسه با استقرار نظام سرمایه داری و حاکمیت تمام عیار بورژوازی در عرصه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و ... شکل گرفت بخاطر سیطره نظام سرمایه داری این فرایند سمت و سوئی بورژوائی پیدا کرد که در نتیجه آن باعث گردید تا زمان مدرنیزه بصورت یک کالائی در بازار فراگیر بورژوازی در آید که این کالای بازار بورژوازی در مکتب فرویدیسم بصورت یک پدیده جنسی مطرح گردید و در عرصه بعد از خشونت فراگیر دو جنگ جهانی بصورت کالای فرهنگی و اخلاقی و اقتصادی بورژوازی جهانی در آمد.

**زن تاریخی:** مقصود از زن تاریخی عبارت از زن بعنوان یک پدیده تاریخی می باشد که بموازات سیر تحول و تکامل تاریخ این پدیده تکامل پیدا کرده است و بموازات تکامل پذیری در عرصه تحول تاریخی دارای تاریخ شده و بعنوان یک پدیده تاریخی مطرح شده است این زن اگرچه در مراحل عقب مانده تاریخ دارای سرنوشتی سیاه بوده است ولی تکامل و رهائی خود را مولود دینامیسم درونی تاریخ و خود در یک بستر سنتزی میداند و دستاوردهای تاریخی خود اعطائی از جانب هیچ عقیده و مکتب و مذهبی نمی داند بزرگترین دستاورد تاریخی برای این زن انسانیت انسانی او می باشد که توانسته است بعنوان نخستین موضوع حقوقی خویش آنرا فهم کند و در راستای این فهم و شناخت او بوده است که تمامی دستاوردهائی بعدی که او بدست آورده است یا بدست خواهد آورد حق طبیعی خود می داند نه اعطائی از جانب هیچ کس و در این رابطه است که هیچ کس را هم لایق خلع این حقوق خود نمی داند و نمی بیند زن تاریخی اگر برای خود خواهان حقی مساوی مرد در عرصه های اقتصادی - سیاسی - قضائی - اجتماعی می باشد بخاطر آن است که موضوع انسانیت خود را بالاتر از حقوق میداند و تمامی حقوق اجتماعی - تاریخی - قضائی متولد شده از این اصل فوق اصل می داند یعنی چون معتقد است که انسان است معتقد است باید حق طلاق یا حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن داشته چون انسان است باید از آزادی بیان و آزادی قلم و آزادی شکل زندگی و آزادی شکل پوشش برخوردار باشد نه چون مسلمان است یا چون مسیحی و یهودی و ... می باشد و بخاطر این جهان بینی است که او هرگز حاضر به قبول هیچگونه تبعیضی بر خود نمی باشد و هرگونه شکل بندی تحمیلی تحت هر نام و عنوانی که بر او تحمیل گردد در هم می شکنند مگر شکل بندی که خود برپایه آگاهی و انتخاب برگزیده باشد طبیعی است که زن تاریخی برعکس زن فقهائی که به تکلیف می اندیشید به حق بیاندیشد همچنین زن تاریخی برعکس زن مدرنیزه که در فرایند آزادی برای بورژوازی بصورت کالا در آمد بخاطر سرمایه انسانیت خویش همیشه خود را صاحب سرمایه غنی انسانیت می داند لذا در عرصه این سرمایه بزرگ درونی هرگز حاضر به کالا شدن نمی شود.

پایان